خبر

سازمان سینمایی جنایت شاهچراغ را محکوم کرد

سازمان سینمایی کشور با صدور بیانیه‌ای ضمن عرض تسلیت و همدردی با خانواده‌های شهدای حرم شاهچراغ(ع)، این اقدام تروریستی را محکوم کرد. در متن بیانیه این سازمان آمده است: «حمله شنیع و ناجوانمردانه به حرم مطهر شاهچراغ(ع) بار دیگر اندازه خباثت، دنائت و خوی وحشی‌گری دشمنان قسم خورده این آب و خاک را به نمایش گذاشت. این اولین بار نیست که دست دشمنان به خون عده‌ای از هموطنان آزاده ما آغشته می‌شود و دریغ که صدایی از رسانه‌های مدعی حقوق بشر بلند نمی‌شود. در چهار دهه گذشته دشمنان ایران اسلامی همواره کوشیده‌اند به انحای مختلف زخمی بر پیکر درخت بالنده و تناور انقلاب بزنند اما همیشه با موج توفنده مردم انقلابی مواجه شده، عقب نشسته‌اند. حمله به حرم مطهر شاهچراغ(ع) نشانه‌ای واضح و روشن از شکست سیاست‌های ریاکارانه، غیرانسانی و بدوی سردمداران غرب در طرح شعارهای انساندوستانه و توسل به خشونت و جنایت علیه مردم مظلوم و شریف ایران است. سازمان سینمایی کشور ضمن محکوم کردن این عمل شنیع که آن را نشانه‌ای از استیصال دشمنان این مرز و بوم می‌داند از سینماگران، هنرمندان و مستندسازان کشور درخواست کرد با تبیین، تصویر و بازنمایی ابعاد چنین جنایت‌هایی، حقانیت و مظلومیت ملت ایران را در برابر نظام سلطه به نمایش بگذارند.»



نگاهی به فیلم «نگهبان شب» ساخته رضا میرکریمی

تک‌آشیانه‌ای در سپهر خاکستری



سیدمحمد سلیمانی
گروه فرهنگ و هنر

رضا میرکریمی تا امروز که بیش از ۱۴ اثر در کارنامه‌اش به ثبت رسانده، همواره درپی ثبت عوالم درونی انسان‌هایی بوده که با تیپ‌های شخصیتی متفاوت در نهایت به دنبال یافتن پاسخ سوالاتی به‌ظاهر ساده درباره رازهای زندگی آرام و بدون دغدغه در دنیایی پیچیده و پر از دست‌اندازهای عاطفی، اجتماعی و حتی سیاسی و... هستند.

عمیق و تاثیرگذاری اجتماعی

میرکریمی در هریک از آثارش متناسب با شخصیت محوری فیلمنامه، سعی می‌کند با انتخاب نوع خاصی از میزانسن، بدون آن‌که به عنوان کارگردان دخالت جلوه‌گرایانه‌ای در ساختن فضای زیست شخصیت‌ها داشته باشد، صرفا به عنوان ناظری بی‌طرف مخاطبانش را به همراهی با آنها ترغیب کند و اتفاقا اوج این طرز نگاه میرکریمی به شخصیت‌ها و فضاسازی آثارش را در همین «نگهبان شب» می‌توانیم ببینیم که به گمان نگارنده، سوای از علاقه شخصی به «زیر نور ماه»، «خیلی دور خیلی نزدیک» و «قصر شیرین» اثری نمونه در سینمای اجتماعی این روزهاست که متاسفانه حال و روز مساعدی ندارد و به همین دلیل هم بسیاری از مخاطبان بالقوه سینمای ایران جذب نوعی از سینما شده‌اند که اندیشه و پرداخت عمیق و تاثیرگذار اجتماعی در آن کمترین سهم را دارد؛ یعنی همان اتفاقی که طی سالیان متمادی موجب کاهش سطح توقع تماشاگران سینما و گرایش روزافزون آنها به سرگرمی صرف شده است.

جایگاه امید در سینمای اجتماعی

نگهبان شب، همه مولفه‌های تبدیل شدن به یک اثر اجتماعی تلخ و پر از آب چشم با پایانی سیاه و فاقد کورسویی از امید را داشته و اگر قرار بود با همان قراردادهای آشنای جریانی خاص در سینمای اجتماعی چند سال اخیر ساخته شود، به یکی از آثار پرسر و صدای این نوع از سینما هم بدل می‌شد.

ولی میرکریمی حتی با پذیرش ریسک متهم شدن به محافظه‌کاری، از همان ابتدا سعی می‌کند با ایجاد میزانسن‌هایی متکی بر حرکات دوربین روی دست که در اغلب صحنه‌ها شخصیت‌های جلوی دوربین را به عنوان ناظر همراه، از پشت‌سر تعقیب می‌کند و بدون قطع‌های سریع و متداول، تیزی و تندی اتفاقات و معدود لحظات پرالتهاب اثر را بگیرد.

از خطا تا ساده‌دلی

نگهبانی پرسابقه ولی خطاکار اخراج می‌شود و رسول، جوان ساده‌دل کم‌تجربه جویای کار، جایگزین او می‌شود. داشتن جای خواب، غذا، آب و برق و گاز برای او یعنی یک شانس بزرگ در شهر بی‌سر و تهی مثل تهران. رسول شخصیت پیچیده‌ای ندارد و نگاهش به اتفاقات پیرامونی صاف و ساده است. حتی به مهندس پیشنهاد می‌کند نگهبان قبلی هم به سر کارش برگردد و شیفتی نگهبانی بدهد - متاثر از تجربه نگهبانی در دوران سربازی - خیلی زود با سگی که در محیط کارگاه زندگی می‌کند، ارتباط برقرار می‌کند و روی زخم‌های یکی از معدود درختان جان به‌در برده از پروژه خشکاندن درختان باغ برای ساختن مجتمع مسکونی راهم به شیوه‌ای که بلداست، مرهم می‌گذارد. رسول تا اینجا، جویای کاری خوش‌شانس است و نگاهش به آنچه که برایش رخ داده، مثبت و امیدبخش - او جایی در اواخر فیلم به مهندس می‌گوید وقتی در میدان سوارم کردی، فکر کردم از طرف خدا اومدی - میرکریمی پیش از آن‌که سراغ معرفی شخصیت‌های پیرامونی رسول و به‌ویژه «دایی» برود و برگ جدیدی از زندگی او را ورق بزند، اولین شب حضور رسول در مجتمع نیمه‌تمام را با وزش توفان و در فضایی وهم‌آلود همراه می‌کند که مقدمه‌ای است برای روبه‌رو شدن رسول با رخدادهایی که مسیر زندگی‌اش را تغییر می‌دهد.

زیر پوست شهر با آدم‌های رنگارنگ

رسول حالا نگهبان مجتمعی است که گروهی از فرهنگیان با تشکیل تعاونی به احداث و تکمیل آن دل بسته‌اند؛ ولی بهزاد، مهندس جوانی که ساخت مجتمع را به‌عهده گرفته، توزرد از کار درآمده و با پول فرهنگیان، فقط اسکلت ساختمان را بالا آورده و دیگر هیچ. حالا هم تظاهر به ادامه کار می‌کند، ولی درواقع پروژه متوقف شده است.

او از رسول سوءاستفاده می‌کند و به نامش چک می‌کشد و دست آخر هم موجب به زندان افتادنش می‌شود؛ ولی همه این اتفاقات تلخ که ترکش‌های آنها از زیر پوست شهری با آدم‌های رنگارنگ زندگی رسول و سادگی‌اش را نشانه گرفته، قرار نیست فضای کلی فیلم را یکسره به سمت سیاهی و پایان‌های محتوم در برخی آثار تولیدشده ژانر اجتماعی ببرد.

او خیلی زود نصیبه را در محوطه کارگاه می‌بیند که خوراکی‌ها را می‌گذارد و با سگ مجتمع خوش و بش می‌کند، سوار سرویس کارخانه می‌شود و می‌رود.

این، نقطه آغاز اتفاقی مهم در زندگی رسول است که تیرگی‌های فضای پیرامونی‌اش را خاکستری می‌کند؛ خاکستری نه به مفهوم پوشاندن اتفاق‌های بدی که در حال رخ دادن است یا به تعبیری ماله کشیدن روی ارتباطات و زد و بندهایی که تعاونی فرهنگیان و پروژه‌های مشابه دیگر را به تعطیلی می‌کشاند، بلکه به عنوان راهکاری برای نزدیک‌تر شدن به دنیای درون شخصیت رسول.

نگهبان شب، همه مولفه‌های تبدیل شدن به یک اثر اجتماعی تلخ را داشته و اگر قرار بود با همان قراردادهای آشنای جریانی خاص در سینمای اجتماعی چند سال اخیر ساخته شود، به یکی از آثار پرسر و صدای این نوع از سینما هم بدل می‌شد

دنیایی خاکستری

با ورود دایی و نصیبه به زندگی رسول، موضوع نگهبانی مجتمع نیمه‌کاره و قضیه مهندس و شاکیان، موقتا به حاشیه رانده می‌شود تا به قول مهندس خطاکار، اولین چراغ مجتمع را پدر نصیبه روشن کند و اتاقکی ساده بسازد در ملک خودش برای دخترش و رسول که یادآور پسر ازدست‌رفته‌اش است و وقتی داستان سرگذشت پدر نصیبه و پسرش در امتداد زندگی رسول قرار می‌گیرد، بخش مهمی از دنیای درونی رسول به‌واسطه این همراهی جلوه‌گر می‌شود، به‌ویژه در سکانس پایانی که گویی دغدغه اصلی میرکریمی در این اثر رسیدن به آن بوده است؛ پرواز رسول در شمایل فرزند ازدست‌رفته دایی بر فراز شهری که هنوز در جایی دور از آن، عده‌ای دغدغه پرواز دارند...

رستگاری با عشق

میرکریمی در ادامه تلاش برای قابل باور کردن سادگی و مهربانی نهادینه‌شده در پیکره شخصیتی رسول که برخی رفتارهایش به‌ویژه در برخورد با مهندس می‌توانست تا حد جوانکی توسری‌خور و دست و پاچلفتی تنزلش دهد، او را در شرایطی قرار می‌دهد که برای اثبات عشق و جنم خودش به نصیبه و پدرش، شخصا به مغازه و خانه‌ای که آدرسش قبلا به او داده شده، برود و با خانواده نصیبه آشنا شود.

حضور نصیبه در زندگی رسول، رفتارهای بعدی او را برای حفظ شغلش و ایفای نقش سپر حمایتی نصیبه و پدرش، منطقی جلوه می‌دهد. از سوی دیگر، رسول درحدی که می‌توان از او انتظار داشت، متقاعد می‌شود که اگر هم نام و هویتش را در اختیار مهندس بزهکار قرار داده، به این خاطر است که کارگاه ساختمانی مجددا فعال شده و فرهنگیان عضو تعاونی به خواسته‌های‌شان برسند و این‌که او قبل از همه در همان کارگاه ساختمانی صاحب خانه یا تک‌آشیانه‌ای در سپهر خاکستری دنیای پیرامونی‌اش می‌شود، به نوعی نمادی است از امید به آینده‌ای که در آن زندگی رسول سر و سامان می‌گیرد و پدر نصیبه در دنیای برآمده از فراموشی ناخواسته، یک بار دیگر رسول - پسرش را در حال پرواز با چتر بر فراز شهری با همه آدم‌ها و اتفاقات نیک و بدش می‌بیند.

ستایش خمیرمایه نهاد انسان

ولی با این همه، گویی همه شخصیت‌های اثر باید بپذیرند که در این زمانه نارفیق باید صرفا به چیزهایی مشابه آنچه که برای‌شان عزیز بوده رضایت بدهند.

تک‌اتاقی که دایی با دست‌های خود دیوارهایش را بالا می‌آورد در یک مجتمع وسیع، فقط شبیه خانه رویایی رسول و نصیبه است که حتی عروسی‌شان هم بیشتر شبیه نمایشی است برای تبلیغ رانت‌خوارانی که همه چیز را برای خودشان می‌خواهند.

پدر نصیبه هم به شمایلی شبیه پسر ازدست‌رفته‌اش رضایت می‌دهد و رفته‌رفته با تشدید بیماری‌اش ترجیح می‌دهد رسول همان پسری باشد که از شنیدن صدای ضبط‌شده‌اش در تلفن همراهی که به رسول داده، تکانی بخورد و انگار بیش از پیش مصمم شود که رسول را به بهانه‌ای که دختر خودش می‌تواند زمینه‌ساز آن شود به خانواده‌اش وصل کند.

نگهبان شب، اثری در ستایش تلاش برای حفظ همه آن چیزهایی است که خواه‌ناخواه خمیرمایه نهاد انسان‌های واقعی را در سخت‌ترین شرایط شکل می‌دهد و رسول در این اثر در مسیری حرکت می‌کند که آغاز و پایانش مبنایی جز کرنش در برابر مقام والای انسان ندارد.

برش

مسیر مستقیم اخلاقیات

فیلم سینمایی نگهبان شب که برای نخستین بار در جشنواره فجر چهلم درخشید، داستانی ساده و جذاب دارد؛ رسول پسر ساده روستایی، به تهران آمده تا با کار کردن، زندگی خود را بسازد. او برای شغل نگهبانی در شیفت شب یک ساختمان استخدام می‌شود، بی‌خبر از این‌که پیشنهادها و موقعیت‌هایی در انتظار او است که هرکدام می‌تواند زندگی مادی‌اش را دگرگون کند. این فیلم درام با نمایش الگوهای مثبت خود، به ما نشان می‌دهد که خوبی و درستکاری، مسیر مشخصی دارد و راه رسیدن به آنها، سالم زندگی‌کردن است. فرقی ندارد که ما شرایط مالی، خانوادگی یا تحصیلی خوبی داریم یا خیر، همین که در بزنگاه‌های اخلاقی، مسیر درست را انتخاب کنیم، رسالت انسانی‌مان را انجام داده‌ایم.

رضا میرکریمی، مسئولیت‌پذیری به‌ویژه مسئولیت انسانی و اخلاقی را دستمایه‌ای فیلم خود قرار داده تا نشان دهد هر انسان در هر شرایطی اگر بر اصول اخلاقی خود بایستد و تن به خواسته‌های وسوسه‌انگیز ندهد، زندگی به مراتب راحت‌تر و زیباتری را تجربه می‌کند. این فیلم عاشقانه با ریتمی آهسته و داستانی ساده، مسیر مستقیم اخلاقیات و درست زندگی‌کردن را در مقابل مسیر پرپیچ و خم ناروزدن به ما نشان می‌دهد و ساده می‌تواند مخاطبانش را همراه کند.



یادداشت

کیکاوس زیاری | گروه فرهنگ و هنر

شرط‌بندی چینی علیه هالیوودی‌ها



موفقیت محصولات بومی در کشور چین همچنان ادامه دارد و هنوز هم مثل چند ماه گذشته، تولیدات داخلی برتری قابل‌ملاحظه‌ای در مقایسه با رقبای بلاک‌باستری هالیوودی خود دارند.

این هفته مثل تمامی سه ماه گذشته، درام هیجان‌انگیز و پررمزوراز «شرط‌بندی بیشتر ممنوع» توانست با غلبه بر دو رقیب گردن‌کلفت آمریکایی خود یعنی «باربی» و «لاک‌پشتهای تین‌ایجر نینجا» صدرنشینی جدول گیشه نمایش را از آن خود کند. این فیلم با افتتاحیه بسیار خوب ۸۸میلیون دلاری در سه روز آخر هفته، توانست این کرسی را به خود اختصاص دهد. تحلیلگران اقتصادی سینما پیش‌بینی چنین موفقیتی را برای این درام پرتنش می‌کردند، زیرا پیش‌نمایش فیلم قبل از اکران عمومی آن برایش فروش بسیار خوب ۵۵میلیون دلاری را به همراه آورده بود.



چنین فروش بسیار خوبی پیش از نمایش عمومی و وسیع یک فیلم سینمایی، به معنی آن است که تماشاگران آن‌را بسیار پسندیده و دوستش داشته‌اند. داستان فیلم درباره یک مهندس رایانه است که با همراهی یک هنرمند برای یک ماجراجویی عجیب‌وغریب و مرموزی راهی آب‌های آن‌سوی اقیانوس می‌شوند. فروش ۱۴۳میلیون دلاری شرط‌بندی بیشتر ممنوع در این مدت کوتاه، تحلیلگران اقتصادی سینما را به این نتیجه رسانده که فروش کلی آن در این کشور دور آسیا رقمی بالای ۵۰۰میلیون دلار خواهد بود. این فیلم در حالی در چین اکران عمومی شد که اکشن ماجراجویانه لاک‌پشت‌های تین‌ایجر نینجا با افتتاحیه حقیر و بسیار پایین ۳۱۰هزار دلاری، در ردیف نهم جدول گیشه سینماهای چین قرار گرفت. در ردیف دوم جدول هم درام اکشن تاریخی بومی «خلق خدایان» با فروشی ۲۷میلیون دلاری جای گرفت. فروش کلی فیلم هم اکنون و بعد از ۱۰ روز نمایش عمومی به رقم ۹۱میلیون دلار رسیده است. اکشن دلهره‌آور و دریایی «مگ ۲» هم نزدیک ۱۷میلیون دلار فروش کرد تا کرسی سوم جدول را از آن خود کند. چینی‌ها این فیلم را با مشارکت کمپانی برادران وارنر تهیه کرده و از آن به‌عنوان یک تولید بومی نام می‌برند. اگرچه جیسن استاتام، بازیگر اصلی فیلم است اما بخش عمده عوامل تولید و داستان و حال‌وهوای آن چینی است. مگ ۲ به‌دنبال این سیاست تولید شده که با بهره‌گیری از امکانات و تبلیغات جهانی هالیوود، صنعت سینمای چین بتواند راه خود را به بازارهای بین‌المللی و انگلیسی‌زبان باز کند. دو ردیف چهارم و پنجم جدول هم دو محصول چینی دیگر درام جوان‌پسند «یکی و تنها» و انیمیشن «چانگ‌آن» با فروش‌هایی هفت و پنج‌میلیون دلاری هستند. فروش کلی این دو محصول موفق هم‌اکنون به رقم‌های ۱۱۶ و ۲۴۲میلیون دلار رسیده است. استقبال تماشاگران چینی از محصولات داخلی، باربی را به‌عنوان فیلمی شکست‌خورده معرفی کرد که نتوانست مخاطبان بومی را جذب خود کند.

قاب

یادمان شهید حرم شاهچراغ در میدان ولی‌عصر(عج)

جدیدترین دیوارنگاره میدان ولی‌عصر(عج) پایتخت در پی حمله تروریستی به حرم حضرت شاهچراغ(ع) و پاسداشت شهید خادم این حرم با عنوان «از خون جوانان حرم لاله دمیده» روزگذشته رونمایی شد.

این دیوارنگاره با تصویری از شهید غلام‌عباس عباسی، شهید خادم حرم حضرت شاهچراغ(ع) و شعار «این چراغ خاموش شدنی نیست» با طراحی گرافیک محسن کربلایی‌زاده محصول خانه طراحان انقلاب اسلامی است که به همت سازمان هنری رسانه‌ای اوج نصب و رونمایی شده است.



اکران

آهو مهرماه اکران می‌شود



«آهو» ساخته هوشنگ گلمکانی و تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی پاییز به سینماها می‌آید. سعید خانی، مدیر پخش خانه فیلم و پخش‌کننده فیلم آهو، گفت: این فیلم از مهرماه در سینماها اکران می‌شود.

آهو که به قلم سپیده آرمان و هوشنگ گلمکانی نوشته شده است، حکایت انزوای خودخواسته دختری است که آرزوهایش را بر باد رفته می‌بیند اما هنوز امیدش را از دست نداده است. رضا کیانیان، علی مصفا، حامد کمیلی، سهیلا رضوی، رضا یزدانی و سپیده آرمان از جمله بازیگران این فیلم سینمایی هستند.

سایر عوامل تولید فیلم عبارتند از: جانشین تهیه‌کننده: سعید مروت‌پور، مشاور کارگردان: سامان سالور، مدیربرنامه‌ریزی و دستیار اول کارگردان: عادل معصومیان، مدیر فیلمبرداری: علیرضا زرین‌دست، فیلمبردار: رضا نوروزی، مدیر تولید: مجید بابایی، جانشین تولید: آرش نجفی، مجری طرح: قصیده گلمکانی، تدوینگر: عماد خدابخش، صدابردار: بابک اخوان، طراح صحنه: سعید آهنگرانی، طراح لباس: ثنا نوروزبیگی، طراح چهره‌پردازی: محسن دارسنج، صداگذار: علیرضا علویان، جلوه‌های ویژه کامپیوتری: امیر مهران، عکاس: حبیب مجیدی.

تولید

«چادر سپید» حمایت از نجابت زنان ایرانی



فیلم «چادر سپید» به نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی علیرضا خرسند در حمایت از نجابت زنان ایرانی ساخته شد. چادر سپید در حمایت از زنان ایرانی تولید شده و پاسخی است به سکانس ملتهب سیلی زدن لیلا (ترانه علیدوستی) به گوش پدرش (سعید پورصمیمی) در فیلم «برادران لیلا». این فیلم قرار است طی روزهای آتی، در اکرانی خصوصی نمایش داده شده و در جریان آن، از چند مادر شهید تجلیل به‌عمل آید. سیاوش قاسمی که در سریال «گاندو ۲» حضور داشت، در این فیلم علاوه بر بازیگر نقش اصلی، در قامت دستیار اول کارگردان نیز حضور دارد. در این فیلم علاوه بر قاسمی، پروین ملکی، سیما مطلبی، مبین رستگار و چند نفر از بازیگران تئاتر حضور دارند. از دیگر عوامل این فیلم می‌توان به جانشین تهیه: اتابک فروزی، مجری طرح: نظارت فیلم، برنامه‌ریز: سهیلا حیاتی، دستیار اول: سیاوش قاسمی، مدیرتولید: پوریا نوری‌زاده، صدابردار: عرفان رضایی، فیلمبردار: اسماعیل آقاجانی، طراح صحنه و لباس: مهران بهرامی و مدیر پروژه: سهیلا حیاتی اشاره کرد.